

دکتر عیسی صدیق  
استاد دانشگاه

سومین و چهارمین نکته‌ای که در قانون تربیت معلم مصوب اسفند ۱۳۱۲ برای دانش‌سراهای مقدماتی قید شده این است که دوره تحصیل در آنها دو سال باشد و

درین مدت شاگردان علاوه بر معلوماتی که باید فراگیرند باید در دبستان ضمیمه دانش‌سرا بتدریس و تعلیم پردازند زیرا که در پرتو عمل و تجربه است که بر موز آموزشی حقیقه پی میبرند .

کسانی که وارد دانش‌سرای مقدماتی میشوند طبق ماده پنجم قانون مذکور باید دوره اول متوسطه را دیده باشند و درین صورت در زبان فارسی و حساب که اساس تعلیمات ابتدائی است باید مایه کافی داشته باشند بویژه که آنها را با امتحان مسابقه در زبان فارسی و حساب بدان دانش‌سرا می‌پذیرند. بنابراین برای تکمیل معلومات آنها در زبان فارسی و حساب و هندسه و آموختن دوره مختصری از علوم تربیتی یعنی تاریخ مختصر فرهنگ ایران و روان‌شناسی از لحاظ تربیت و اصول آموزش و پرورش و تمرین معلمی دو سال کافی است .

البته ممکن بود دوره تحصیل را در دانش‌سراهای مقدماتی سه سال معین کرد و معلومات زیادتر بشاگردان آموخت و آموزگار داناتر و شایسته‌تر تهیه نمود ولی بدلائل ذیل در ۱۳۱۲ دوره سه‌ساله در قانون تربیت معلم منظور نشد :

۱- پس‌رانی که در آن تاریخ قادر بودند سه‌سال (پس‌ازدوره اول متوسطه) تحصیل کنند بیشتر راغب بودند وارد دبیرستان شوند و گواهی نامه متوسطه کامل بدست آورند زیرا طبق ماده دوم قانون اعزام محصل بخارجه مصوب خرداد ۱۳۰۷ با مدرک مذکور میتوانستند در امتحانات مسابقه اعزام محصل بخارجه شرکت جویند و با حق تقدم برای تحصیلات عالی بخرج دولت بارو یا امریکا روند . در آن موقع هر سال متجاوز از یکصد نفر محصل از طرف دولت بخارجه اعزام می‌شد

وعدۀ پسران فارغ التحصیل متوسطه در سراسر کشور از ۳۷۰ نفر بیش نبود بنابراین فرصت بسیار مساعد برای تحصیل در خارجه بخرج دولت برای آنها موجود بود.

۲- در ۱۳۱۲ تحصیلات متوسطه جدی بود و گواهی نامه متوسطه کامل ارزش واقعی داشت و دارندگان آنها با اشتیاق تام و حقوق کافی بخدمت دولت می پذیرفتند و بدون هیچ مانعی آنها را بمدارج عالی در تمام وزارتخانه ها ارتقاء میدادند.

۳- دارندگان گواهی نامه متوسطه کامل میتوانستند بدون امتحان وارد مدارس عالی آن وقت مانند مدرسه طب و مدرسه حقوق و علوم سیاسی و دارالمعلمین عالی شوند و بتحصیلات عالی بپردازند.

۴- حقوق پایه اول آموزگار در قانون متمم بودجه ۱۳۱۳ مبلغ ۳۴۰ ریال در ماه معین شده بود در صورتیکه دارندگان گواهینامه دوره اول متوسطه را با پایه يك ادارى و ۳۲۰ ریال حقوق (طبق قانون استخدام كشورى مصوب آذرماه ۱۳۰۱) استخدام میکردند. بنابراین ممکن نبود توقع داشت که شاگردان دانشسرا سه سال تحصیل اضافی کنند و فقط بیست ریال در ماه اضافه بگیرند. حقوق آموزگار را هم بواسطه وضع اقتصادى كشور نمیتوانستند افزایش دهند.

اگر در آن تاریخ برای دو سال تحصیل اضافی فقط بیست ریال در ماه اضافه منظور شده بود در عوض در ماده پنجم قانون تربیت معلم قید گردیده که گواهینامه دانشسرا دارای تمام امتیازات قانونی گواهینامه متوسطه کامل است.

۵- قلت اعتبارات وزارت فرهنگ در آن زمان مانع بود که مدت تحصیل در دانشسراهای مقدماتی بیش از دو سال پیش بینی شود زیرا اضافه کردن يك کلاس سوم بر هر دانشسرا مستلزم مخارجی بود که وزارت فرهنگ قادر بپرداخت آن نبود. در حال حاضر که وضع كشور نسبت به ۱۳۱۲ دگرگون شده و اقتصاد مملکت در حال توسعه است در صورتیکه دولت واقعاً قادر باشد هزینه تأسیس و نگاهداری دوره سه ساله دانشسراهای مقدماتی را بپردازد ماهیه مسرت و تقدیر خواهد بود بویژه که حقوق پایه يك آموزگار از حقوق پایه اول مستخدمین كشورى بطور محسوس زیادتر شده و حداقل آن اکنون طبق تصویب نامه قانونی اردی بهشت

۱۳۴۰ ماهیانه پنجهزارریال است.

پنجمین نکته که در قانون تربیت معلم قید شده این است که شاگردان دانش‌سراهای مقدماتی در موقع ورود باید تعهد کتبی بپردازند که پس از فراغ از تحصیل پنج سال طبق مقررات قانون مذکور بسمت آموزش گاربدولت خدمت کنند. علت ذکر این نکته در قانون این است که در موقع ثبت نام، داوطلبان ورود بدانش‌سرا و اولیای آنان شغل معلمی را مهم شمارند و انتخاب آن را جدی تلقی کنند و بدون دقت و تأمل اقدام نمایند و آنرا سرسری بگیرند.

شاگرد دانش‌سرا باید ذوق و رغبت و عشق خود را نسبت به معلمی بسنجد و کاملاً متوجه باشد که برای آموزش گار شدن بدان مؤسسه گام مینهد و منظورش تنها تحصیل و استفاده از تسهیلات مدرسه شبانه روزی نیست بلکه آماده شدن برای خدمت از راه تعلیم و تربیت است و در صورتیکه عشق و علاقه بمعلی ندارد نباید وارد دانش‌سرا شود. با اضافه دولت برای هر فرد در ظرف دو سال مبلغ قابل توجهی بمنظور تربیت آموزش گار خرج میکنند و در مقابل توقع خدمت دارد. اگر در قانون اخذ تعهد قید نمیشد چه بسا شاگردانی که از قصبه و شهر خود بمرکز مهم استانها روی می‌آوردند و به دانش‌سراهای شبانه روزی پناه می‌بهرند تا از محل امن و مطبوعی که دولت فراهم کرده استفاده کنند و در پایان تحصیل به تعقیب رشته و شغل دیگر بپردازند و در آن صورت وزارت فرهنگ با بودجه محدودی که داشت قادر به تهیه و تربیت آموزش گار نمیشد.

البته اگر از تمام منابع ثروت مملکت بهره برداری میشد و بودجه فرهنگ محدود نبود، ایران میتواند مانند امریکا دانش‌سراهای بسیار وسیع بسازد و در هر یک هزاران نفر را بپذیرد و از داوطلبان تعهد خدمت نگیرد ولی مخارج شبانه روزی را از شاگردان اخذ کند و هر کس در پایان تحصیل مایل و شایق بآموزگاری باشد استخدام کند. لیکن ساختمانهای کنونی دانش‌سراهای مقدماتی ما گنجایش پذیرفتن بیش از یکصد نفر را ندارد بنابراین نمیتوان آنها را در اختیار کسانی گذاشت که قصدشان آموزش گاری نباشد.

در سه سال اخیر وزارت فرهنگ کلاسهای بنام « کلاس تربیت معلم » دائر کرده که منظور کشور را از داشتن آموزگار با علم و اخلاق تأمین نمیکند. دلایل این امر بطور اختصار بقراردیل است :

۱- در این کلاسها شاگردانی را می پذیرند که دارای «دیپلم متوسطه» هستند و اغلب کسانی که در سه سال اخیر چنین ورقه‌ای را بدست آورده اند مایه ندارند و معلومات آنها شاید باندازه دوره اول متوسطه سابق هم نباشد.

۲- اکثر این «دیپلمه»ها از بیکاری و نداشتن هنر مخصوص باین کلاسها روی می آورند و بمعلمی عشق و علاقه ندارند و اساساً از اینکه با داشتن « دیپلم » نتوانسته اند وارد دانشگاه شوند خود را بدبخت می شمارند و بدین هستند و در موقعی که مشغول معلمی باشند ادراک لذت نمی کنند و سعادت مند نیستند و این روحیه قهرآ در شاگردان آنها مؤثر خواهد بود.

۳- نسبت به اخلاق این «دیپلمه»ها اطلاعی در دست نیست و معلوم نیست که واجد شرایط و اوصاف معلمی باشند و در ظرف سه چهارماه کلاس روزانه هم نمیتوان با اخلاق آنها پی برد و فقط پس از اینکه رسماً استخدام و وارد معلمی شدند در صورت بازرسی ممتد ممکن است عدم صلاحیت آنها برای معلمی ظاهر شود که در آن صورت معاف کردن آنها از خدمت آسان نیست .

۴- چون «دیپلمه»ها سنشان از ۱۸ تجاوز کرد رشد بدنی آنها پایان یافته و دارای اخلاق و عادات معینی شده اند که تغییر آن تقریباً غیر ممکن است و نمیتوان از آنها آموزگاران ساخت که مطبوع و مورد نظر است .

۵- دوره این کلاسها اسماً یکسال تحصیلی است ولی عملاً از سه چهارماه بیشتر نیست چنانکه مثلاً کلاس تربیت معلم واقع در خیابان هدایت در تهران در ۲۷ اسفند ۱۳۴۲ که مقارن با تعطیلات نوروز است دائر شد و لابد در اواسط خرداد ۱۳۴۳ هم پایان خواهد یافت .

۶- برنامه این کلاسها بسیار مختصر و سطحی است و شاگرد را ب- برای آموزگاری آماده نمی کند. در برنامه مذکور هم تمرین معلمی اساساً منظور نشده است.

۷- معمولاً دبیران این کلاسها را از بین کارمندان ادارات فرهنگ انتخاب

میکند تا از حق تدریسی که داده میشود استفاده کنند و بسیاری از این کارمندان نه‌اشتیاق بمعلمی دارند نه وقت مطالعه .

اکنون که دلایل وضع قانون تربیت معلم با شرایط مخصوص آن مختصراً تشریح شد باید تذکر داد و جوهری که برای تربیت معلم صرف میشود بهترین نوع سرمایه گذاری است و هیچ کشور مترقی نیست که دانش‌سراهای مقدماتی شبانه‌روزی و دستگاه مؤثر و مداوم برای تربیت آموزگاران داشته باشد بنا بر این انحلال ۴۲ باب دانشسرا در دوره فترت اخیر مانند تیشه‌ای بود که بریشه فرهنگ زده شد .

در ۱۳۴۱ دولت ایران از بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه دعوت کرد کارشناسانی بایران بفرستد تا برنامه سوم آبادانی را که تهیه شده بود مطالعه و نسبت بآن اظهار نظر کنند. در برنامه مذکور مبلغ هزار و نصد میلیون تومان برای امور فرهنگی منظور شده که در ظرف پنج سال بمصرف برسد . کارشناسان فرهنگی اعزامی از طرف بانک بین‌المللی مدتی در ایران بمطالعه پرداختند و در آذرماه ۱۳۴۱ گزارش خود را بمقامات ایرانی تقدیم داشتند و در آن فقدان یک طرح و نقشه منطقی را برای تربیت معلم خاطر نشان ساختند ولی مثل این است که آن گزارش را مسئولان امر وزمامداران ما نخوانده‌اند یا اساساً بدان توجه نداشته‌اند ! در گزارش مذکور تذکر داده شده که اگر دولت ایران نقشه و طرح عملی قابل قبولی برای تربیت معلم تهیه کند و مایل باستعانت باشد بانک حاضر است بمؤسسات بین‌المللی وابسته بسازمان ملل متحد توصیه کند که در اجرای آن نقشه و طرح بدولت ایران کمک مالی و فنی بنماید. در پایان این سه مقاله که برای روشن شدن افکار عمومی برشته تحریر درآمد نگارنده اطمینان دارد که میهن پرستان و فرهنگ پروران و مسئولین دلسوز مملکت به خبط و خطائی که با انحلال دستگاه تربیت معلم در دوره فترت شده پی برده‌اند و نسبت بدائر کردن مجدد دانش‌سراهای مقدماتی شبانه‌روزی (بارعایت اصلاحات لازم) همصدا و همگام خواهند شد و با پرورش آموزگاران باایمان و دانش شالوده تعلیم تربیت نوباوگان را بر پایه‌های استوار خواهند گذاشت و برای کشور خویش ملتی خواهند ساخت که متناسب با پیشرفتهای مادی آن باشد و در عین حال دوران مجدد وعظمت و افتخارات ایران باستان را تجدید کند .